

دوستان هم‌پاتوقی سلام

زمستان نو بر شما مبارک. راستی در شب یلدا مشغول چه کارهایی بودید؟ آرزوهای شیرین کردید و دیوان حافظ گشودید؟ انار خوردید؟ راستش من در شب یلدا به خورشید فکر می‌کردم. به اینکه حالا دیگر نوبت او شده است و روزها بلند می‌شوند. بعد فکر کردم چه جالب است که زمستان و روزهای سرد از راه رسیده‌اند، اما روزهای خورشید هم شروع شده‌اند. این سرما و گرمای هم‌زمان، انگار یک‌جورهایی نقطهٔ مقابل هم هستند. به نظرتان این‌طور نیست؟

روزهای خورشید

راه‌های ارتباطی شما برای ارسال متن و داستان: rojavan@roshdmag.ir
 و یا شماره پیامک ۳۰۰۰۸۹۵۹۶
 برای تقد و نظر، لطفاً حتماً شهر و پایه تحصیلی خودتان را هم برای ما بنویسید.
 از انتشار مطالب و نظرات بدون اطلاعات کافی معذوریم.

پاییز من

پاییز هم حال و هوای خودش را دارد. منظرهٔ درختانی که با سخاوت برگ‌های خود را برای کوچه و خیابان‌ها حراج کرده‌اند. کاش هرگز پاییز به آخر نمی‌رسید. پاییز فصل هوای سرد و بارانی است، هوایی که در خانه‌هایی که از گرمای محبت و عشق سرشارند، جان تازه‌ای به خود می‌گیرد.

وجهه‌جوادی از قم

وجههٔ عزیز، پاییز فصل شگفت‌انگیزی است و چه زیبا دربارهٔ آن گفته‌ای. به قول تو، کاش پاییز تمام نمی‌شد. هرچند خوشحالم سال بعد برمی‌گردد

سلام. مجله‌تان واقعاً عالی است. اگر مطالبی دربارهٔ نقاشان برجسته، مانند ونکوگ و میکال آنژ چاپ کنید، بهتر هم می‌شود. با تشکر از زحمات شما.

پریا عمرانی از مازندران

گاهی زندگی مثل جنگ است. باید تا آخرین نفست بجنگی تا به آرزویت برسی. اما جنگ برای خیلی‌ها سخت است. امیدوارم از خسته‌های جنگ نباشید

شکیلا فریدی از کامیاران

چه تشبیه جالبی شکیلا عزیز! امیدوارم تو هم از خسته‌های این جنگ نباشی.

سیاه سیاه

چقدر حال و هوای شهر عوض شده است. چند سال پیش که به اینجا آمده بودم، اصلاً این طور نبود. چند سال پیش، هنگامی که وارد شهر شدم، آسمان به من لبخند می زد و ابرها برآیم دست تکان می دادند. خورشید به من خوشامد می گفت و درختان سخاوتمند از شاخه هایشان به من میوه می دادند. اما حالا! حالا آن آسمان آبی، خاکستری شده است و مدام سرفه می کند. ابرها سیاه شده اند و می نالند. و خبری از درختان نیست و فقط تنه های آن ها به چشم می خورند. راستی، خورشید کجاست؟ به آسمان نگاه کردم. کودکی از نردبان بلندی بالا رفته بود و سطلی از رنگ در دست داشت. گفتم «آهای، چه کار می کنی؟» پاسخی نداد و فقط سرش را به طرفم برگرداند و با بغض نگاهم کرد. بعد مشغول کارش شد. پس از مدت کوتاهی از نردبان پایین آمد و گفت: «دلم برای خورشید آسمان آبی شهرمان تنگ شده. می خواهم آن را بکشم.»

گفتم: «مگر خورشید کجاست؟»

گفت: «نمی دانم.»

با خودم گفتم مگر می شود بدون خورشید زندگی کرد؟! ناگهان چشمم به کارخانه ای عظیم افتاد که دودهایش به آسمان می رفت و در پی اش آسمان خاکستری می شد. یکی از ابرها گفت: «لطفاً ما را نجات بده!» گفتم: «کسی به حرفم گوش نمی دهد. آن ها حواسشان نیست دارند چه کار می کنند.»

ابرها از غصه اشک ریختند و اشک هایشان بر زمین چکید. آن ها آن قدر گریه کردند که تمام شهر را سیل سیاه رنگی فرا گرفت و با خود برد.

زهراکلهر از نیشابور

زهرا عزیز، چه خوب شهری را توصیف کرده ای که انسان ها طبیعتش را از بین برده اند. کاش آدم ها حواسشان بیشتر به زمین باشد.

چشمانم را به ستاره ها می دوزم. آسمان چه زیباست! درخشش ستاره ها نور امیدی است برای زندگی. ماه در آسمان لبخند می زند و آرام برآیمان لالایی می خواند. به خواب عمیقی می روم. وای که چه زیباست خوابی که با لالایی ماه همراه است.

فاطمه دستجانی از اراک

فاطمه عزیز، چه تصویر رویایی و زیبایی خلق کرده ای. حقیقتاً که چنین خوابی زیباست.

سلام. ممنون از اینکه بخش پاتوق را راه انداخته اید تا ما بتوانیم به شما پیشنهاد بدهیم. اگر بشود ما هم برای مجله معما و لطیفه ارسال کنیم، خیلی خوب خواهد بود. این طوری هم کار شما در انتخاب مطالب خوب برای ما راحت تر می شود، و هم ما مطالبمان را با دوستانمان به اشتراک می گذاریم.

امیررضا فهیمی از اهر

امیررضای عزیز، خوشحال می شویم معماها و لطیفه های شما را برای پاتوق ارسال کنی تا به نام خودت چاپ شوند.

پرستوهای کوچک بر بزنید تا کودک هستید. پرواز کنید تا یادتان باشد، شما هم در زندگی زمین می خورید و لباستان گلی می شود، اما مهم این است در آخر پرواز را می آموزید.

مهناز عزیزی از کردستان

مهناز عزیز، متن کوتاه تو حرف مهم و باارزشی داشت. یادمان باشد هر قدر هم که زمین بخوریم، اما در نهایت پیروز می شویم.

نظرات شما دوستان عزیز هم به دستمان رسید:

- عاطفه صائمان از طالقان
- هستی ناصری از استان اردبیل
- رضا تقوی از چالوس
- شکیلا فریدی از کامیاران
- علیرضا دهقانی از مشهد
- فاطمه سربندی از کرمان
- شیرین علم هولو از ماکو
- نورا باصری و هاجر افقی از تبریز.